

## علل و عوامل انتقام الهی

رضا شریفی

در فرهنگ قرآن و ادبیات اسلامی، یکی از نام‌های جلالی خداوند، منتقم است و خداوند برخی را به علیل و عواملی در همین دنیا و یا آخرت به انتقام می‌گیرد. در حقیقت، انتقام از سوی خداوند است و این نشان دهنده آن است که اگر برخی از صفات و رفتارها نسبت به آدمی زشت و نکوهیده است اما درباره خداوند امری پسندیده و کمالی است. از این دسته از صفات می‌توان به تکبر اشاره کرد که از غیر خدا زشت و ناپسند و رفتاری نکوهیده است اما یکی از صفات و نام‌های حسناى الهی متکبر است که در آیات قرآنی بیان شده است.

پرسش این نوشتار این است که چه علیل و عواملی موجب می‌شود که خداوند به اسم منتقم ظهور و تجلی کند و نسبت به چه کسانی این گونه رفتار می‌کند؟ نویسنده کوشیده تا با آیات قرآنی این مسئله را واکاوی نماید و تحلیل قرآن را از علیل و عوامل آن تبیین و تشریح نماید. با هم این نوشته را از نظر می‌گذرانیم.

### مفهوم شناسی انتقام

واژه انتقام که از ماده نقم (در فارسی نقیمت) گرفته شده به معنای انکار چیزی با زبان یا عقوبت (مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه نقم) و هم چنین به معنا اکراه (صاح اللغه) و شدت کراهت (المصباح) به کار رفته است.

یکی از کاربردهای قرآنی این واژه، مجازات و عقوبت و مقابله به مثل است. مهم‌ترین کاربردی که در فرهنگ ایرانی اسلامی از این واژه در اندیشه هاست، معنای اخیر است که مقابله به مثل در امور زشت و نابهنجار می‌باشد. به این معنا که شخص در برابر رفتاری نابهنجار و زشت واکنش نشان می‌دهد که مردم آن را به عنوان مقابله به مثل می‌پذیرند ولی از آن جایی که در آن کینه نهفته است و رفتارهای کینه آمیز و از آن خاستگاه می‌باشد، از انتقام پرهیز دارند و آن را به عنوان عملی هنجاری نمی‌پذیرند.

به سخن دیگر، وجود کینه در مسئله انتقام موجب می‌شود که از نظر رفتاری، واکنش انتقام‌گیرنده را نپسندند و نسبت به آن واکنش منفی نشان دهند و انتقام را امری ناپسند و زشت برشمارند.

در اندیشه و بینش مردم، هرگونه عملی که ریشه در کینه و انتقام جویی داشته باشد مذموم و ناپسند است و براین اساس از انتقام جویی نفرت و بیزاری می‌جویند.

اما از آن جایی که عدالت اقتضا می‌کند که شخص نسبت به دیگری که در حق وی ظلم و ستم کرده است، به مقابله دست بزند، هرگونه مقابله به مثل می‌تواند در این حوزه امری طبیعی و قانونی و حقوقی شمرده شود. نتیجه این خواهد بود که مقابله به مثل در صورتی که از خاستگاه عدل نه کینه باشد، امری پسندیده و قانونی است و کسی چنین شخصی را به سبب مقابله به مثل و یا مجازات و عقوبت سرزنش نمی‌کند. از این روست که قصاص قاتل را مجاز و قانونی و حقوقی می‌دانند هرچند که در فرهنگ اسلامی که براساس محبت و مهر است، عفو و گذشت نیز پسندیده شمرده شده است.

از آن جایی که مفهوم قرآنی و اسلامی انتقام از مفهوم عرفی آن جدا می‌شود و تفاوت‌هایی دارد که حتی ماهیت دو معنا را از هم جدا می‌کند، می‌توان گفت که مفهوم انتقام در بینش قرآنی اسلامی غیر از آن چیزی است که عرف از آن می‌فهمد و آن را مذموم و ناپسند می‌شمارد.

### مفهوم انتقام در قرآن مجید

انتقام در مفهوم و کاربردهای قرآنی ارتباطی با کینه جویی ندارد بلکه خاستگاه آن عدالت است و منتقم نه از روی کینه و خشم بلکه براساس اجرای عدالت و مقابله به مثل و مجازات و عقوبت است که انتقام می گیرد. براین اساس نه تنها صفتی است که می توان درباره خداوند آن را به کار برد بلکه صفتی پسندیده است که می توان برای انسان های عادل نیز به کار گرفت. این گونه است که در روایات اسلامی یکی از صفات حضرت قائم آل محمد و منجی بشریت حضرت ابیصالح امام مهدی (عج) منتقم آل محمد (ص) دانسته است؛ زیرا وی از روی کینه اقدام به انتقام گیری نمی کند بلکه برای اجرای عدالت اقدام می کند.

چنین کنش و واکنشی را می توان در داستان عمرو بن عبدود و امیرمومنان (ع) ردگیری کرد که به سبب تف انداختن عبدود، آن حضرت (ع) از روی سینه وی برخاست و زمانی به دور خویش گردید و آن گاه اقدام به کشتن وی نمود؛ زیرا نمی خواست انتقام وی از روی کینه جویی و برخاسته از خشم و غضبی باشد که به سبب تف انداختن شاید در وی پدید آمده باشد؛ چه وی می خواست عدالت خداوند را در حق وی اجرا کند و تنها از روی اخلاص و فرمان حق اقدام به کشتن وی نماید.

نتیجه آن که در فرهنگ قرآنی و اسلامی انتقام به مفهوم، اجرای عدالت در حق کسی است که لازم است وی عقوبت و مجازات شود و این مجازات می بایست در دایره مقابله به مثل انجام شود و از حد و حدود مثلیت و همانند بیرون نرود. براین اساس می توان گفت که انتقام جویی امری پسندیده و هنجاری و در دایره عدالت است.

این مفهوم با آن چه عرف از مفهوم انتقام می فهمند و به کار می برند تفاوت های ماهوی دارد؛ زیرا خاستگاه انتقام در مفهوم عرفی آن، کینه و خشم است هرچند که می خواهد با این عمل خویش مقابله به مثل کند و حق خود را بستاند و شخصی را مجازات نماید.

آن چه در این نوشتار مراد و مقصود است انتقام به معنای قرآنی آن است؛ زیرا خداوند کسی نیست که براساس احساسات عمل کند و رفتارهای او در این دایره نمی گنجد بلکه چنان که خود بارها در آیات مختلف بیان کرده و حتی دیگران را نیز بدان خوانده است عمل براساس عدالت است.

از سوی دیگر پیامبران (ع) و اولیای الهی (ع) نیز این گونه هستند؛ زیرا آنان مظهر اسم منتقم هستند و اگر امام زمان (عج) به عنوان منتقم آل محمد (ص) معرفی و مشهور شده است به معنای مجری عدالت است که به این نام ظهور و بروز می کند.

## علل انتقام خداوند سبحان

اما چه علل و عواملی موجب می شود تا خداوند نسبت به شخص و یا گروه و یا قومی به اسم منتقم ظهور و تجلی کند؟ به نظر می رسد که خداوند می تواند به اشکال مختلفی بندگان متجاوز و ظالم خویش را مجازات کند، ولی برخی از رفتارها، کنش ها و واکنش ها موجب می شود تا خداوند به نام منتقم ظهور نماید و مردمانی را مجازات و عقوبت نماید.

از جمله علل و عواملی که موجب می شود که خداوند به اسم منتقم ظهور کند، اعراض مردمان از آیات خداوندی است. خداوند در آیه ۲۲ سوره سجده با بیان این مطلب می افزاید که خداوند با جنود و سپاهیان بی پایان خویش، از چنین افرادی به اشکال مختلف انتقام می ستاند و آنان را عقوبت و مجازات می کند.

از نظر قرآن کسانی که از آیات تکوینی و تشریحی و یا لفظی خدا اعراض می کنند و آن را به پس گوش می افکنند به سبب ظلمی که در حق آیات الهی انجام می دهند مرتکب جرمی می شوند که می بایست مجازات شوند؛ زیرا از نظر خداوند اعراض از آیات الهی نه تنها ظلم بلکه جرمی است که از نظر قانونی آنان را مستحق مجازات می کند. از این روست که در ادامه آیات می فرماید: انا من المجرمین منتقمون؛ ما از برخی از مجرمان انتقام می گیریم. به این معنا که این گونه از مجرمان که از آیات الهی اعراض می کنند و به خداوند و آیات وی ظلم و ستم روا می دارند مستحق انتقام هستند هر چند که دیگر مجرمان این گونه نباشند ولی این دسته مستحق انتقام می باشند و مجرم معمولی

به شمار نمی آید. (سجده آیه ۲۲)

از دیگر کسانی که مستحق مجازات انتقامی هستند کسانی هستند که در برابر امام مبین قرار می گیرند و با آن که مطلب بر ایشان واضح و روشن است ولی در پی ظلم و ستمی می روند و حق امام مبین را نادیده می گیرند و در برابر چنین کسانی از پیامبران (ع) و اولیاء معصوم الهی (ع) می ایستند و نسبت به آیات الهی ظلم و ستم روا می دارند. این گونه است که در آیه ۷۸ و ۷۹ با اشاره به بیدادگری اصحاب ایکه (قوم شعیب) آن را سبب انتقام خدا از آنان برمی شمارد؛ زیرا نسبت به آن حضرت که رهبری کامل به سوی خداوند بود ظلم و ستم روا داشتند.

به هر حال تکذیب آیات الهی (اعراف آیات ۱۳۵ و ۱۳۶) و یا اعراض از آن (سجده آیه ۲۲) و مخالفت و ظلم و ستم در حق دعوت کنندگانش (حجر آیات ۷۸ و ۷۹) و یا غفلت نسبت به آیات الهی که در برابر دیدگان ایشان قرار داده شده (اعراف آیه ۱۳۶) از موجبات و علل انتقام الهی است. آیه ۵۱ و ۵۵ سوره زخرف بیان می کند که رفتارهای فرعون و فرعونیان موجب خشم خداوند شد؛ زیرا با آن همه از نشانه ها و آیات بارز و آشکار به مخالفت خویش و تکذیب آیات ادامه دادند و اسباب انتقام را فراهم آوردند.

غیر از حوزه بینشی و اعتقادی چون کفر و انکار آموزه های پیامبران و تکذیب آیات الهی و حق ناپذیری (زخرف آیه ۲۳ و ۲۵ و آل عمران آیه ۴) می توان به حوزه های رفتاری نیز توجه کرد که بیش تر آن ها اموری است که در حوزه رفتارهای اجتماعی دسته بندی می شود. به سخن دیگر از دیگر علل و عوامل انتقام خداوند می توان به اموری اشاره کرد که مرتبط با حوزه امور رفتارهای اجتماعی مردمان است که از جمله می توان به جرم (ابراهیم آیات ۴۷ و ۴۹ و نیز روم آیه ۴۷) فسق و فجور (زخرف آیات ۵۱ تا ۵۵) لواط و هم جنس بازی (حجر آیات ۵۸ تا ۷۹) عهد و پیمان شکنی (اعراف آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ و نیز زخرف آیات ۵۱ تا ۵۵) از میان بردن محیط زیست با شکار در مراکز ممنوع و قرقرگاه های خاص (مائده آیه ۹۵) اشاره کرد.

## انتقام براساس عدالت

این گونه مسایل موجب می شود که خداوند از اشخاص یا گروه و یا قومی انتقام بگیرد و آنان را در همین دنیا عذاب و عقوبت نماید. انتقام الهی چنان که گفته شد براساس عدالت است و این مساله در انتقام اولیای الهی نیز نمود و ظهور پیدا می کند و آنان تنها در سایه عدالت و حدود و مرزهای آن انتقام می گیرند و از مرز عدالت تجاوز و تعدی نمی کنند. از این روست که انتقام الهی و اولیای او در محدوده مقابله به مثل است و از آن تجاوز نمی کند. (شورا آیه ۴۰)

بر این اساس است که هرگونه انتقامی که فراتر از عدالت و مقابله به مثل باشد و در آن کینه و حقد و مانند آن وجود داشته باشد و یا رفتارهای خسونت آمیز و فراتر از عمل باشد واکنش منفی تلقی کرده است و چنین افرادی را که در انتقام از حدود و مرزهای عدالت و مقابله به مثل تجاوز می کنند به عنوان ستمگر و ظالم دسته بندی می کند. (همان)

خداوند تنها از کسانی انتقام می ستاند که با رفتارهای خویش جامعه ای را به فساد و تباهی می کشانند و با آن که حجت برایشان تمام شده است باز هم بر رفتارهای ظالمانه و ستمگرانه خویش اصرار و پافشاری می کنند در این حالت است که خداوند انتقام را واجب و ضروری می شمارد همانند قصاص که حیات و زندگی برای مردم و امنیت عمومی و اجتماعی و بستری برای شکوفایی و بالندگی است. اما اگر بتوان با چشم پوشی از انتقام به همان اهداف رسید مردمان را تشویق به گذشت و دوری از انتقام و مقابله به مثل دعوت می کند و می فرماید که گذشت و عفو از انتقام در عین قدرت شیرین تر است و برکات و آثار خوبی دارد. (نساء آیه ۱۴۸ و ۱۴۹) به این معنا که اگر برای مظلوم روا است که آبروی ظالم را ببرد و او را افشا کند ولی بهتر است که در حفظ آبروی او بکوشد و عرض و آبروی او را نبرد و نسبت به این مساله گذشت داشته باشد، البته به شرطی که آسیب های جدی تر این عفو و گذشت به دنبال نداشته باشد.

در حقیقت عفو و گذشت در زمانی که شرایط فراهم است بهتر از انتقام است.

این ها بخش هایی از آیات قرآنی بود که به مساله و پرسش اساسی این نوشتار توجه داشت. مطالب دیگری در این مساله است که خواننده می تواند به همین آیات مراجعه کند و با تدبر در آن ها نکات و لطایف و اشارات و حقایق دیگری نیز به دست آورد. باشد با رجوع به آیات و تدبر در آن و نیز عمل به آن ها در سایه سار آموزه های قرآنی به کمال و بالندگی فردی و اجتماعی دست یافته و از شخصیت و جامعه سالم و آرمانی برخوردار شویم.